

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی ناشر و سردبیر ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتوی ایالت آنتریوکنا

۲۰ اپریل ۲۰۱۵

پیش روی کوره آتشی پشت سرفلان خری



آن پیغمبری که جز نفعش دیگر وحیی نشنید خود اسپ فکر کرد و دنبال خران چهار نعل دوید
چون خواست در وقت ولادت ببند کره اسپ از پشت سرش وقت ولادت صدای قاطر شنید
"هاهی"

دیروز مردم افغانستان به این عقیده بودند، اینکه آگانه بوده یا غیر آگانه در این شکی نیست که مردم ما خوش باور و مهار فکری شان غیر آگانه دردم کاروان دین و مذهب نه باریسمان بلکه بازنجیرهای فولادین بسته بوده و تظاهر با دین و مذهب در جامعه افغانستان هرکی رابه مقصد می رساند. اگر او باش و کودن هم بوده باشد همینکه چهره منحوسش در آئینه پاک مقدسات مردم دیده شود، چهره منحوس او را نادیده گرفته در نظرشان یوسف دیگری جلوه می کند. خوش باوری های مردم ما سبب حکومت مستعمراتی قاطری به نام (حکومت وحدت ملی) گردید سیاست های استعماری و دست نشانندگان استعمار فراموش شان شد تنها جنرال صاحب اسماعیل خان که یک شخص نظامی و جهادی است بقای خود را در جنگ و نفاق اندازی، زبانی، منطقه ئی، نژادی دینی و مذهبی می ببند همیشه نی فکری اش سرود جنگ می نوازد و گله دارد که دولت مستعمراتی افغانستان باید از مجاهدین مشوره بگیرد در غیر آن امکان دارد که مردم به خیابان هابریزند و سبب سقوط دولت مستعمراتی قاطری کابل گردد.

از این نوده پیوندکن که شفتالوبگیرد. این جنرال بیروبارشانه که تفنگ قنداغ شکسته درشانه دارد و ترس از این دارد که تفنگش دانگی نشود هم خودش می ترسد و هم جانب مقابل و این روزها طوری که دیده می شود اسماعیل خان می خواهد خود رابه دست خود در تابوت پیغمبر زمان محمود در کفن سبز جهادی بیچد.

در زمان محمود غزنوی شخصی ادعای پیغمبری کرده مین طوری که مجاهدین بعد از رسوائی و بدنامی هنوز خود را مجاهد می نامند کسی که ادعای پیغمبری داشت او را نزد محمود آوردند تا مفتی شهر فتوای مرتد بودن و سنگسار پیغمبر رابدهد. محمود فهمید که این مرد شاید از راه حرام شکم سیرمی کرده امروز شاید از آن راه کسب کار فریب و دلک بازی خود دور مانده باشد. خود را به دیوانگی و دجالی زده است محمود گفت: این پیغمبر را به فلان جابرید و زندگی شاهانه را به این مرد مهیاسازید. به فرمان شاه خادمین دربار او رابه قسم یک شاه پذیرائی کردند چند روز بعد محمود گفت پیغمبر را بیاورید. او را آوردند محمود غزنوی از او پرسید که بتو در این روز وحی آمده؟ گفت بلی! گفت چه وحی آمده گفت دیگر وحی نیامده تنها این وحی آمده که از همین جائیکه زندگی می کنی جای دیگر نرو و خود را در همین جام محکم کن. اسماعیل خان هم مانند پیغمبر زمان محمود هر وقتی که از مقام افتاد ادعای پیغمبری جهاد می کند وقتی که دوباره همه چیز را به او مهیا کردند او از وحی خودداری می کند می گوید دیگر وحی نیامده تنها همین وحی آمده که در خدمت حکومت مستعمراتی باش. بگو که روس استعمارگر بود او امریکا آورنده صلح و دموکراسی است جهاد در برابر استعمارگران جایز نیست.

از یکطرف با داران حکومت وحدت ملی که سازنده (حکومت قاطری) هستند دستور می دهند که تفنگسالاران را دیگر مجال قدرت طلبی ندهید که مردم از دست اینها به ستوه آمده اند، اعتبار ماراخش و خاش ساخته اند و خشم مردم در حال فوران است ناقضین حقوق بشر را اگر محکمه نمی کنید آنها در حاشیه برانید و از طرف دیگر مجاهدین که خود را وارث تخت و تاج افغانستان می دانند. دولت مستعمراتی زیر فشار دوطرف قرار گرفته به خاطر آن ضرب المثل طنزی مشهور را عنوان نوشته ساخته ام.

پیش روی کوره آتشی پشت سرفلان خری. دولت مستعمراتی قاطری در موقفی قرار دارد که نه پیش رفته می تواند و نه پس رفته می تواند و پارلمان هم به خاطر این مشکلات مجبور شد با در نظر داشت مصلحت به تمام کابینه دولت مستعمراتی قاطری رأی موفق داد. آنها با این استدلال که چه کسی قبر خاین را محکمه کرده که قبر ما را محکمه کنند. فردا اگر تاریخ پرسید میگوئیم چیزی گندم تر بود چیزی آسیاب کند. آب از سر پرید ما مجبور بودیم که بچه را زیر پای بگذاریم تانه سیخ بسوزد نه کباب و تا این مکتب است این ملا حال طفلان خراب می بینم از بدبترش توبه از دم خرش توبه

ماکه رسوای جهانییم غم عالم پشم است فرق ندارد بیه پشم هرکی در خشم است